

اعتصاب کارگران ایران برك در اعتراض به معوقات مزدی



کارگران ایران برك رشت كه گروهی از آنها از ابتدای سال از كار كنار گذاشته شده و طی حدود دو ماه گذشته برای تعیین تكلیف و وضعیت خود و دریافت مطالباتشان تجمع و پیگیری کرده‌اند، روز سه‌شنبه (۱۴ مهر) مقابل كارخانه تجمع کردند.همزمان كارگران شاغل در داخل كارخانه‌نیز در اعتراض به معوقات مزدی و پرداخت نشدن حق بیمه از ابتدای سال دست از كار كشیدند كه این اعتصاب درپروژه هم ادامه داشت. در همین زمینه یکی از كارگران اخراجی به ایلمانی می‌گوید: «نزديك دو ماه است كه تجمع می‌كنیم، به همه جا رفتم؛ اداره كار، تأمین اجتماعی، استانداری و فرمانداری. همه جاسر و ذیم و صدیامان رارسندایم اما هنوز كسی جواب مشخصی به ما نداده است.» وی با اشاره به وضعیت بیمه كارگران می‌گوید: «حق بیمه از ابتدای سال پرداخت نشده است. ما حتی تأمین اجتماعی رفتم و گفتیم چطور ممكن است بیمه كارگران پرداخت نشده باشد و شما پیگیری كننید.» این كارگر درباره پیگیری‌های انجام‌شده می‌گوید: «كار ما به استانداری، فرمانداری و اداره كار استان تعهداتی داده ولی بعد از آن هیچ حقوقی و هیچ بیمه‌ای برای پرسنل پرداخت نشد.» او ادامه می‌دهد: «روز سه‌شنبه هم نماینده دادستان استان آمده بود. ما همه مشکلات را گفتیم و گفتیم به تعهداتشان عمل نكرده‌اند.» به گفته این كارگر، در ماه‌های اخیر مدیر عملی نیز برای كارخانه تعیین شده بود اما این مدیر عامل به تاژی از سمت خود كنار گذاشته شد: «مدیر عملی هم تعیین كرده بودند كه حدود دو، سه ماه بود آمده بود ولی روز دوشنبه بر كنارش كرده‌اند. بنابه دلایلی كه برای ما كاركان معلوم نیست.» در كنار معوقات حقوق و بیمه، حالا موضوع دیگری نیز نگرانی كارگران را بیشتر كرده: نگرانی بابت فروش برخی اموال كارخانه. این كارگر می‌گوید: «چند روزی است كه نگرانیم كه نكند دست به فروش اموال بارزش كارخانه بزنند.» وی درباره میزان مطالبات كارگران هم می‌گوید: «همكارانی داریم كه هر كدام بابت سنوات و سایر مطالبات، ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان طلب دارند.» این كارگر درباره وضعیت فعلی كارگران كارخانه نیز می‌گوید: «الان همكاران ما داخل كارخانه هم معوقات بیمه پرداخت نشده و هم معوقات حقوق دارند. همین وضعیت باعث شده كارگران شاغل در كارخانه هم از روز سه‌شنبه دست از كار بكشند و خواستار تعیین تكلیف حقوق و بیمه خود شوند.» او درباره حضور نینروهای بازنشسته در كارخانه‌ای می‌گوید: «كسانی كه باسختی و زیان آور بازنشسته شده‌اند، الان دوباره در شركت مشغول به كار شده‌اند ولی ما كه بلا تكلیف هستیم و دنبال مطالباتمان هستیم، كسی جوابگو نیست.»

□□□

تجمع بورسیه‌ها مقابل وزارت علوم در اعتراض به عدم استخدام



جمعی از متقاضیان بورسیه و تبدیل وضعیت به پیمانی، روز سه‌شنبه (۱۴ مهرماه) در اعتراض به طولانی شدن روند صدور كدهای استخدامی خود مقابل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تجمع كر دند و خواستار تعیین تكلیف فوری وضعیت استخدامی شان شدند. به گزارش ایلمن،تجمع كنندگان در تشریح مطالبات خود گفتند: در سال‌های اخیر صدور ردیف‌های استخدامی برای اعضای هیأت علمی با مشکلاتی مواجه شده و وضعیت بورسیه‌ها نیز به دلیل پلاتكلیفی میان دستگاه‌های مختلف، پیچیده‌تر شده است. آنها با اشاره به هزینه‌های انجام‌شده برای بورسیه‌های خارج از كشور اظهار كرد: دولت برای برخی از بورسیه‌ها هزینه‌های قابل توجهی پرداخت كرده ولی پس از پایان دوره تحصیل و بازگشت این افراد به كشور، آنان همچنان درگیر فرایند صدور ردیف و كداستخدامی هستند. تجمع كنندگان با بیان اینکه برخی از این افراد پس از بازگشت به كشور در میان وزارت علوم، سازمان اداری و استخدامی و سازمان برنامه و بودجه پلاتكلیف مانده‌اند، گفتند: ما بر گشتیم و در يك مثلث بین این سه دستگاه گیر افتادیم و هر كدام توپ را به زمین دیگری می‌اندازند. به گفته آنها، برخی از متقاضیان بیش از دو سال است كه در دانشگاه محل تعهد خود، بدون پرداختی از وضعیت استخدامی رسمی، مشغول به كار هستند. یکی از تجمع كنندگان در توضیح وضعیت شخصی خود نیز گفت: بیش از دو سال است در یکی از دانشگاه‌های دولتی به‌صورت غیررسمی فعالیت می‌كنم و با وجود عضویت در بنیاد ملی نخبگان و پیگیری این بنیاد برای دریافت ردیف استخدامی، تاكنون این موضوع به نتیجه نرسیده است. تجمع كنندگان می‌گویند: اختلاف نظر میان دستگاه‌های مسئول، از جمله درباره مدارك مورد نیاز، مجوزهای استخدامی و تأمین اعتبار، موجب طولانی شدن روند تعیین تكلیف این افراد شده است. آنها می‌گویند: سازمان اداری و استخدامی بر ارسال ردیف‌ها و مدارك در قالب مشخص تأكید دارد، وزارت علوم اعلام می‌كند در خواست‌ها را ارسال کرده و ایرادهایی كه مطرح می‌شود بهانه تراشی است. سازمان برنامه و بودجه نیز موضوع تأمین اعتبار را مطرح می‌كند. تجمع كنندگان با اشاره به روند دعوت هیأت علمی گفتند: مشکلات برخی از افرادی كه از مسیر فراخوان‌های جذب هیأت علمی اقدام كرده بودند، به تدریج حل شده اما نوبت تعیین تكلیف بورسیه‌ها كه رسیده، روند صدور ردیف‌های استخدامی همچنان متوقف مانده است. آنها گفتند: وعده داده شده كه پس از طی فرایندهای مربوط، حداثكر تابیش از آغاز سال تحصیلی و در آستانه مهرماه، ردیف‌های استخدامی صادر شود اما این اتفاق نیفتاده است.

□□□

خودرو كارگر پاكبان را زیر گرفت كشته شدن كارگر خدماتی شهرداری جوانرود



يک کارگر خدماتی شهرداری جوانرود در جریان انجام وظیفه در حاشیه جاده، بر اثر زور خوردن بایک خودرو جان خود را از دست داد. به گزارش ایلمن، این حادثه جوالی روستای «ریکا» در محور «وانسر- کرمانشاه» رخ داد. کارگر مذکور در حالی كه مشغول انجام وظایف شغلی خود در دوتایر حاشیه جاده بود، با یک دستگاه خودروی سواری بر خورد و در اثر شدت جراحت وارده، در محل حادثه جان باخت. این حادثه تلخ، بار دیگر چالش‌های ایمنی و خطرات شغلی كارگران خدمات شهری و پاكبانانی كه در حاشیه معابر و جاده‌ها فعالیت می‌كنند، بر جسته كرد. نیروهایی كه به دلیل ماهیت شغلی، همواره در معرض خطر برخورد وسایل نقلیه و حوادث جاده‌ای قرار دارند.

نسرین هزاره مقدم

«شكاف دستمزدی در ۵۰ سال اخیر بی‌سابقه است»، «محمد حبیبی» سخنگوی شورای هماهنگی تشكیل‌های صنفی فرهنگیان در مصاحبه‌ای در مورد وضعیت بفرنج معاش معلمان بخش دولتی و ویدئوهای استعفاي دسته‌جمعی آنها، با اشاره به اینکه اگر كف از قام خط فقر را ۷۵ میلیون تومان در نظر بگیریم، تأكید كرد كه حقوق فعلی معلمان يك‌سوم خط فقر است و این شكاف در تاریخ معاصر سابقه نداشته است.

همین جا يك پرانتز باز می‌كنم. این شكاف عمیق سه برابری، مربوط به معلمان شاغل در بخش دولتی و مشمول قانون مدیریت خدمات كشوری ست. در بخش خصوصی كه در سال‌های اخیر تبدیل به هژمونی مسلط در فضای آموزشی كشور شده، معلمان معمولاً زیر ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند و بیمه پاره‌وقت صندوق تأمین اجتماعی هستند. یکی از این معلمان كه با مدرك كارشناسی ارشد در زاهدان سال‌ها به عنوان معلم غیررسمی در مدارس غیرانتفاعی كار كرده، از حقوق ماهانه ۱۰ میلیون تومانی خبر می‌دهد؛ حقوقی كه برای این خانم كه در چند مدرسه در سطح شهر تدریس می‌كند، فقط پول رفت‌وآمد با اسنپ است.

این خانم تحصیل كرده كه چهار برابر زیر خط فقر حقوق می‌گیرد، قصد دارد شغل عملی را برای همیشه رها كند: «قبلاً آمیدی به استخدام شدن و جذب در آموزش و پرورش داشتیم، حالا آن امید هم بر باد رفته. كار ما تبدیل شده به استثمار همیشگی. دیگر ادامه نمی‌دهم و نمی‌خواهم به خودم بیش از این ظلم كنم.»

حقوق اندك در يك نظام پول‌محور

در سویی دیگر، پرستاران را می‌بینیم كه به نشانه اعتراض، پلاكارد استعفا دست می‌گیرند و ادامه كار با حقوق ۲۰ تا ۳۰ میلیون تومانی را بهره‌كشی و بیگاری می‌دانند. این گروه نیز شوقی برای ماندن در سیستم پول‌محور و طبقاتی در مان كشور ندارند.

«محمد شریفی مقدم» دبیر كل خانه پرستار در گفت‌وگویی با انتقاد از نظام غیر شفاف سلامت كه مشخص نیست اعتبارات كجا خرج می‌شود، دلایل استعفاي پرستاران را به‌صورت خلاصه برمی‌شمارد: «پایین بودن دریافتی‌ها نسبت به حجم و مسئولیت كار، فشار كاری و اضافه‌كاری، كمبود نیروی انسانی، تبعیض در پرداخت‌ه‌نود، امنیت شغلی، بی‌اعتمادی به وعده‌های مسئولان، نبود شفافیت و پاسخ‌گویی و در نهایت، از بین رفتن امید به اصلاح شرایط. ما از مدت‌ها قبل درباره احتمال ترك حرفه از سوی پرستاران هشدار داده‌ایم، حتی به مسئولان گفته‌ایم اگر می‌خواهید هزینه‌های سیستم سلامت را افزایش ن‌دهید، باید ببذیرید كه ادامه این وضعیت به خروج پرستاران منجر خواهد شد. این مساله جدیدی نیست و بارها درباره آن هشدار داده شده است.»

گزارش

استاد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز:

خطر حذف کالابرگ کارگران در نظام جدید دهک‌بندی وجود دارد

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌تازگی از تغییر شیوه‌شناسایی مشمولان حمایت‌های اجتماعی و افزایش اعتبار کالابرگ خبر داد. براساس تصمیمات جدید، نظام دهک‌بندی سنتی ده‌گانه کنار می‌رود و جامعه براساس شاخص‌های درآمد و دارایی در سه گروه کم‌برخوردار، متوسط‌برخوردار و تقسیم‌بندی می‌شود.

احمد میری، مسئولیت‌های اجرای افزایش ۵۰ درصدی اعتبار کالابرگ از ۱۵ مهرماه، اولویت اصلی این طرح را حمایت از اقشار فرودست دانست. به گفته وی، در شیوه جدید به جای اتکا به رتبه‌بندی نسبی، معیارهای مشخص درآمد و دارایی براساس جمعیت اطلاعات وزارت اقتصاد، وزارت رفاه و سایر دستگاه‌ها به همراه رقم خوداظهاری ملاک تصمیم‌گیری خواهد بود. اقدامی که با همکاری وزارت ارتباطات صورت می‌گیرد تا با اصلاح اختلالات پایگاه‌راه‌برآیناب، پوشش حمایتی عادلانه‌تری شکل گیرد.

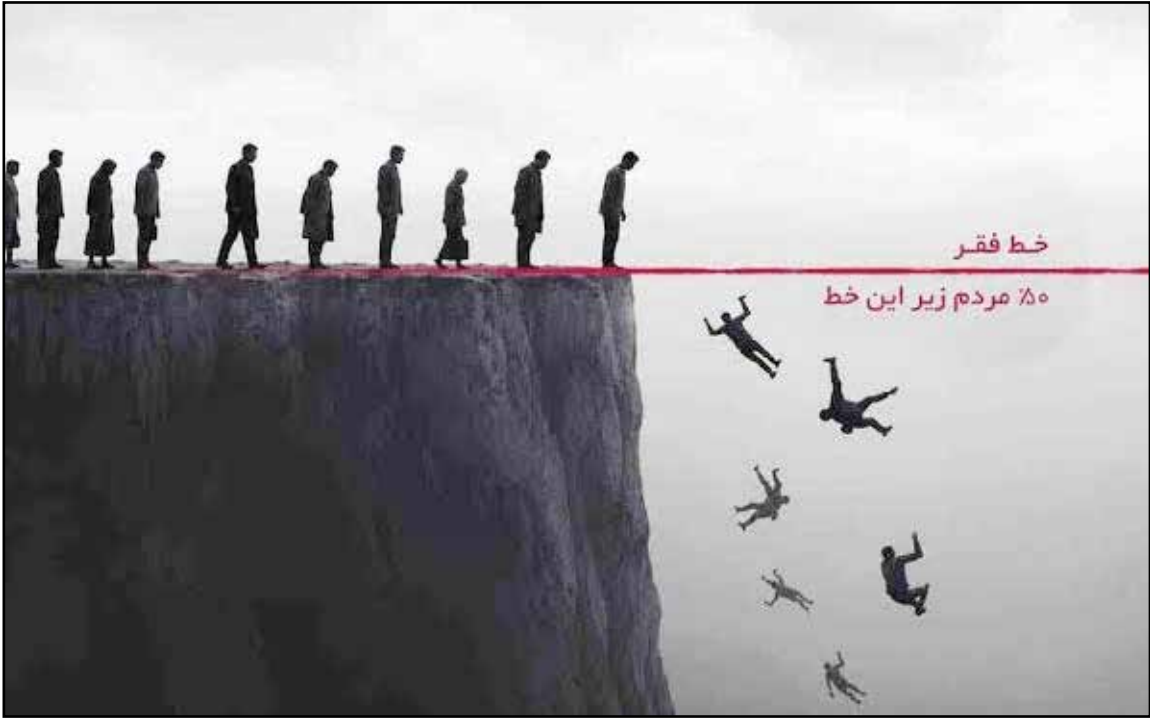
«مرتضی افقه» عضو هیأت علمی دانشگاه چمران اهواز در گفت‌وگو با ایلمنا با اشاره به خطای بالای داده‌های رفاهی در کشور، لغو معافیت مالیاتی نهادهای خاص و اخذ مالیات از یک‌درصدی‌ها و ابر و ثروتمندان را تنها منبع واقعی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز برای افزایش اعتبار کالابرگ و حمایت‌های دولتی دانست و تأکید کرد: ویژگی‌های خاص کارگران بی‌ثبات کار و قرار دادموقت، در حمایت‌های یارانه‌ای دولت باید مورد توجه قرار گیرد.

وزیر کار از دستور کار جدیدی برای سنجش اقتصادی خانوار خبر داده و گفته قرار است گروه‌بندی سه‌گانه به جای دهک‌بندی سنتی و متعارف در دستور کار قرار بگیرد. این تغییرات تا چه حد با منطق عدالت همخوانی دارد و چقدر ممکن است به زبان کارگران، فروشندگان، زنان سرپرست خانوار و اقشار فرودست تمام‌شود؟

متأسفانه میزان دسترسی به اطلاعات اقتصادی در کشور ما بسیار ضعیف است. مدیریت در دوره قبلی مسئولیت خود تلاش‌های فراوانی برای شناسایی دقیق دهک‌های اقتصادی انجام داد اما ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و عدم شفافیت آماری همواره مانع بزرگی در این راه بوده بنابراین شیوه جدید با همان گروه‌بندی به جای دهک‌بندی، باز هم می‌تواند با خطاهای محاسباتی متعدد

سفره‌های خالی کارگران، معلمان و پرستاران، وقتی میانگین حقوق فقط ۱۴۸ دلار است!

فقدان اراده برای ترمیم دستمزد حقوق‌بگیران



۴۰ میلیون تومانی، فقط ۱۵۰ دلار است و این

یعنی، یک کارگر متخصص مثلاً یک مهندس با سابقه، در ماه فقط ۱۵۰ دلار حقوق می‌گیرد. این در حالی ست كه متوسط حقوق ماهانه در لوكرامبورگ حدود ۹۳۰۷ دلار است. پس از لوكرامبورگ، بلژیک با حدود ۸۲۹۷ دلار و هلند با حدود ۷۲۳۴ دلار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نزدیک‌تر بیابیم، متوسط حقوق ماهانه در قطر ۳۲۷۵ دلار، در کره جنوبی، ۲۲۸۷ دلار و در کویت ۱۹۶۱ دلار است.

اگر ۴۰ میلیون تومان را حقوق متوسط ایرانی‌ها در نظر بگیریم، ارزش دلاری این دستمزد، از یک‌دهم «حقوق متوسط کشورهای منطقه» هم کمتر است. با این معادله نابرابر، صحبت از انگیزه و اشتیاقی برای کار مولد، بیشتر به یک شوخی شبیه است.

قایم‌وشك‌بازی شورای عالی کار

در چنین اوضاع و احوالی كه متوسط حقوق ۱۵۰ دلار و حداقل دستمزد و مزایای ۲۵ میلیون تومانی فقط ۹۰ و چند دلار است، شورای عالی کار، نهادهای قراردستی و اصطلاحاً سه‌جانبه، برای عمل به وعده کتبی و مواضده «ترمیم دستمزد برای نیمه دوم سال» قایم‌وشك‌بازی درمی‌آورد. ۲۴ اسفندماه سال قبل، وقتی آخرین نشست مزدی شورای عالی کار در اوج جنگ بر گزار شد، نمایندگان دولت، کارگران و کارفرمایان، حداقل

مزد را ۶۰ درصد و دو سایر سطوح را ۴۵ درصد به اضافه رقم ثابت افزایش دادند و قرار شد در شهریورماه، مزد برای نیمه دوم سال ترمیم شود. در این مدت، تورم همه مرزهای مألوف را پشت سر گذاشت و شاخص نقطه به نقطه خوراکی‌ها از ۱۲۸ درصد گذشت اما فقط یک جلسه‌شورای عالی کار با موضوع ترمیم قدرت خرید برگزار شد و تنها خروجی این نشست، فقط یک توافق ضمنی برای ترمیم دستمزد بود. بررسی‌های بیشتر و تصویب افزایش مزد هم به جلسه‌ای در آینده‌ای نزدیک موکول شد. به نیمه مهر نزدیک شده‌ایم اما خبری از این «جلسه‌ای» نیست!

اکثریتی كه نقشی در

تصمیم‌گیری هاندارند

اما آیا مزدبگیران این قدرت را دارند كه معادلات نابرابر مزدی را به نفع خود تغییر دهند؟ در واقعیت،

فلاچیزی جز قایم‌وشك‌بازی‌از شورای عالی کار دیده‌نشده است. گویا بهبود معیشت کارگران ونجات آنها از زیر خطر گر سنگی، اهمیتی برای نمایندگان ارشد سه گروه اجتماعی در این شوراندارد

طبقه کارگر ایران، امتیزه و منفرد است و براساس آمارها کمتر از ۱۰ درصد کارگران، آن‌هم در قالب تشكیل‌های رسمی، متشكل هستند. این خصلت عارضی، توان چانه‌زنی جمعی بر سر حقوق اولیه از جمله دستمزد شرآفتمندانه و منصفانه را از کارگران سلب می‌كند. حتی نهادهی مثل شورای عالی کار كه در ظاهر سه‌جانبه است، قدرت کافی برای به كرسی نشاندن حقوق مزدی کارگران از جمله عمل به بند دوم ماده ۴۱ قانون کار را ندارد. کارگران تشكیل‌های قدرتمند و مستقل برای پشتیبانی اعتراضی از مذاكرات مزدی راندارند، حق اعتصاب و اعتراض به رسمیت شناخته نمی‌شود و سه نماینده كارگری شورای عالی كار در مقابل ۶ نماینده دولتی و كارفرمای، در اقلیت مطلق قرار دارند. تخریب ضدكارگری ساختار تصمیم‌سازی شورای عالی كار در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد كه نظام رای‌گیری را جایگزین «جماع» كرد، كار را خراب‌تر كرده است.

از سوی دیگر، استیلای قرار دادهای موقت بر بازار كار و ارتش انبوه بیکاران كه مثل یک چماق تهدید، همیشه و همواره بالای سر کارگران است، قدرت چانه‌زنی فردی و افقی در سطح كارگاه‌ها را هم به كمترین میزان ممكن رسانده است. در این ساختار، كارگران فاقد تشكیل و قرار داد موقت كارگاه‌ها، نمی‌توانند برای مطالبه مزایای مزدی قدم به میدان بگذارند و وارد چانه‌زنی با كارفرما شوند.

در چنین شرایطی ست كه «علیرضا خرمی» فعال كارگری می‌پرسد: «در شرایطی كه سبد معیشت حداقلی، نرخ ۹۰ میلیون تومان را پشت‌سر گذاشته و حقوق كارگران يك‌سوم این رقم است، چقدر می‌شود به ترمیم عادلانه دستمزد در شورای عالی كار آمید داشت؟ چقدر اراده جدی برای بهبود معیشت مزدبگیران وجود دارد و آیا واقعاً دستمزد به‌میزانی معنادار و ملموس افزایش می‌یابد.» پاسخ این سوال در عملکرد دولت و وزارت كار نهفته است. در يك ماه و پانزده روز سپری شده از ابتدای شهریور، چیزی جز قایم‌وشك‌بازی از شورای عالی كار دیده نشده است. گویا بهبود معیشت كارگران ونجات آنها از زیر خطر گر سنگی، اهمیتی برای نمایندگان ارشد سه گروه اجتماعی در این شوراندارد. به نظر می‌رسد نشست ۲۸ مرداد نیز صرفاً يك رفع تكلیف بوده است و پس و قصد جدی برای افزایش حقوق مزدبگیران و بخش‌های مختلف نمی‌بینیم. كارگر، معلم، كارمند و بان‌نشسته باید از حقوقی سر كند كه از يك‌سوم خط فقر كمتر است.

در این وانفسا، بهانه دولتی‌ها احتمالاً كمبود نقدینگی و بی‌پولی ست اما یادمان نرود كه اخیراً مقامات رسمی از نمایندگان مجلس تا سازمان بازرسی، ابیاید كرده‌اند كه در این یکی دو سال، تراستی‌ها ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار از فروش نفت ملت را برای خود برداشته‌اند و به بیت‌المال برنگردانده‌اند. آیا باز هم باید از مزدبگیران خواست همچنان ریاضت بکشند و با سفره‌های خالی به مردم خدمت كنند؟!

در این وانفسا، بهانه دولتی‌ها احتمالاً كمبود نقدینگی و بی‌پولی ست اما یادمان نرود كه اخیراً مقامات رسمی از نمایندگان مجلس تا سازمان بازرسی، ابیاید كرده‌اند كه در این یکی دو سال، تراستی‌ها ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار از فروش نفت ملت را برای خود برداشته‌اند و به بیت‌المال برنگردانده‌اند. آیا باز هم باید از مزدبگیران خواست همچنان ریاضت بکشند و با سفره‌های خالی به مردم خدمت كنند؟!

کار، چه شاخص‌ها و معیارهایی برای دهک‌بندی باید در نظر گرفته‌شود؟

بی‌ثباتی شغلی، تا‌گوارترین پدیده در عصر روابط کار کشور است. این معضل، علاوه بر فشار مالی، تبعات روحی و روانی سنگینی به خانواده‌ها وارد می‌کند و حتی در مواردی به‌عضابه خودکشی و تبعات اجتماعی جبران‌ناپذیر می‌انجامد. به‌نظرم دولت و وزارت رفاه باید کارگران دارای مشاغلی بی‌ثبات را همواره در فهرست طبقات پایین و مشمول دریافت حمایت قرار دهند تا حتی اگر فرد بیکار شد، اولاً مطمئن شوداز بیمه‌بیکاری بر‌خوردار است وثانیاً یارانه‌های ضروری برای ادامه حیات حتماً در دسترسش باشد. وزارت کار و دولت، باید این ملاحظات را در نظر داشته باشند و پرداخت فوری بیمه بیکاری و یارانه‌های معیشتی را تضمین کنند تا روند حیات کارگران و خانواده‌هاشان مختل نشود.

یعنی برای کارگر دارای شغل غیر رسمی و بی‌ثبات، معیارهای تفکیک و تمایز اقتصادی بایدنسبت به گروه‌های باثبات اقتصادی مثل کارمندان رسمی، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و بورژوازی شـاغل در بخش تجاری، انعطاف بیشتری داشته باشد و نباید تنها درآمدهای کارگران معیار گروه‌بندی باشد؟

کاملاً انعطاف باید به گونه‌ای باشد که پرداخت‌های حمایتی به کارگران به‌خصوص قرار داد موقتی‌ها در هیچ شرایطی، قطع یا کم نشود، بلکه روندی فرآینده‌دائمی داشته‌باشد. حتی اگر کارگر امروز مشغول به کار است، پشتیبانی دولت او را نباید متوقف شود چون ممکن است خیلی زود، مثلاً همین فرد بیکار شود. **افزایش ۳۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ، با توجه به شكاف میان نرخ تورم و حداقل دستمزد، برای طبقه کارگر و اقشار فرودست چندان گره‌گشا نیست اما آیا دولت اساساً منابع لازم برای تأمین این افزایش اعتبار کالابرگ و تداوم حمایت‌های معیشتی را در اختیار دارد؟** متأسفانه خیر. در شرایط فعلی و با وجود محدودیت‌های شدید، منابع درآمدی کشور به‌شدت محدود است. در همه اقتصادها، یارانه‌ها از محل مالیات تأمین می‌شوند و اتکا به‌درآمدهای نفتی برای تأمین یارانه‌ها مرسوم و درست نیست هر چند دولت مادر شرایط فعلی ناچار به چنین کاری شده است. منبع اصلی درآمد در کشور مادرش نفت است و متأسفانه با توجه به محاصره‌ای که با آن مواجه هستیم و پیش‌بینی تداوم آن، به‌نظرم عملاً منابع کافی برای اجرای این طرح وجود ندارد.

اعتراض کارگران نیشکر هفت‌تپه به طرح بازنشستگی اجباری

سن قانونی، در صورت تمایل، کارگر می‌تواند به کار در واحد مربوطه ادامه دهد. یکی از چالش‌های اصلی مطرح شده توسط کارگران، تفاوت در محاسبه سنوات خدمت است. براساس روال جاری در مجتمع نیشکر هفت‌تپه، کارگران مشمول «سنوات ارفاقی» (۲ ماه به‌ازای هر سال سابقه) هستند اما کارفرما قصد دارد بازنشستگی را به‌صورت ۴۵ روز، به‌ازای هر سال محاسبه کند که این امر موجب ضرر مالی گسترده به کارگران می‌شود. این کارگران با تأکید بر اینکه حداقل ۱۰ سال سابقه توانایی خدمت در این مجتمع را دارند، خواستار بازنگری در این تصمیم و رعایت حقوق قانونی و سنوات ارفاقی هستند.

حدود ۶۰ کارگر رسمی شاغل در بخش‌های کشاورزی

و صنعتی مجتمع کنت و صنعت نیشکر هفت‌تپه که دارای سوابق کاری بین ۲۰ تا ۲۵ سال هستند، از سوی مدیریت شرکت برای بازنشستگی اجباری به اداره تأمین اجتماعی هفت‌تپه معرفی شده‌اند. این کارگران در گفت‌وگو با ایلمنا اعلام کردند که این اقدام با هماهنگی قبلی اداره تأمین اجتماعی هفت‌تپه و بدون اطلاع‌رسانی به آنها صورت گرفته است. آنها با اشاره به اینکه سن اکثر کارگران تحت این طرح زیر ۵۲ سال است، تأکید کردند که طبق قوانین جاری، این افراد مشمول بازنشستگی نمی‌شوند و طبق قانون جدید، سن بازنشستگی مردان به ۶۲ سال افزایش یافته و تا رسیدن

نخستین آزمون تبدیل وضعیت کارکنان پیمانی برگزار می‌شود

و سپس به رسمی قطعی، می‌توانند در این آزمون شرکت کنند. رجمانیان تصریح کرد: متقاضیان باید براساس دفترچه راهنما در آزمون ثبت‌نام کنند و در صورت کسب حدنصاب نمره آزمون کتبی، زمینه تبدیل وضعیت است استخدامی خود را فراهم کنند. سخنگوی سازمان اداری و استخدامی کشور گفت: ثبت‌نام این آزمون از ۱۶ تا ۲۵ مهرماه انجام خواهد شد و جهاد دانشگاهی به‌عنوان مؤسسه مجری، برگزاری آزمون را برعهده خواهد داشت. رجمانیان با اشاره به اینکه برنامه‌ریزی برای برگزاری این آزمون برای نخستین بار از سوی دولت چهاردهم انجام شده است، ابراز امیدواری کرد برگزاری آن زمینه رضایت کارکنان پیمانی مشمول را فراهم کند.

سخنگوی سازمان امور اداری و استخدامی از برنامه‌ریزی برای برگزاری نخستین آزمون تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان پیمانی خبر داد. به گزارش تسنیم، حسین رجمانیان گفت: این آزمون با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و مقررات مورد عمل و با هدف فراهم کردن زمینه تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان پیمانی مشمول برگزار می‌شود. وی افزود: کارکنان پیمانی دستگاه‌های اجرایی در زمان استخدام بدون شرکت در آزمون‌های استخدامی با نشر عمومی، به صورت پیمانی استخدام شده‌اند و در حال حاضر به عنوان نیروی پیمانی مشغول به خدمت هستند، در صورت تمایل به تبدیل وضعیت استخدامی از پیمانی به رسمی آزمایشی